

چرا به حضرت زهرا(س) «صدیقه» می گویند

۲۲ اسفند ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۵۱

استاد انصاریان گفت: ظاهر، باطن، گفتار، عمل، فکر، نیت و اندیشه حضرت زهرا(س) همه باهم الهی است و تفاوتی در گفتار و فعل، چه در باطن و ظاهر ایشان دیده نمی شود. این است معنای صدیقه!

حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسین انصاریان در گفت و گو با فارس در پاسخ به این پرسش که چرا به حضرت زهرا(س) «صدیقه» می گویند، اظهار داشت: «صدیق» صیغه مبالغه است. «صادق» اسم فاعل معمولی است. به نظر شما چرا به حضرت زهرا(س) «صادقه» نمی گویند؟ اگر می گفتند صادق، یعنی زبان راستگویی داشت و این معنا به مسائل دیگر نشر پیدا نمی کرد. وی اظهار داشت: چرا به حضرت زهرا(س) «صدیقه» می گویند؟ چون که ایشان ظاهر، باطن، گفتار، عملش، فکرش، نیتش، اندیشه اش همه با هم الهی است و تفاوتی در گفتار و فعلش، در باطن و ظاهرش دیده نمی شود و به قول قدیمی های تهران یک آدم راست حسینی که اصلاً شبیه پيله در وجودش نبود. این است معنای صدیقه!

این استاد اخلاق درباره حجاب فاطمه زهرا(س) و نحوه حضور ایشان در صحنه اجتماع و نحوه برخوردش با مردان نامحرم عنوان کرد: اسلام با بیرون رفتن زن مخالف نیست، درباره صدیقه کبری(س) هم نگفته اند که دائم در خانه می نشسته است، بالاخره ایشان صله رحم می کرد و به منزل اقوام خویش یا خانه خانم هایی که با آنها در ارتباط بود، می رفت. بنابراین اسلام، جلوی بیرون رفتن زن را از منزل نگرفته و ممنوع نکرده است.

وی ادامه داد: اسلام حرف زدن با مرد غریبه را به وسیله زن منع نکرده است. اگر این طور بود، زن فقط می توانست با محارم خود سخن بگوید، اعم از پدر، همسر، برادر، دایی، عمو و...، لیکن اسلام برای بیرون رفتن زن، حدود قرار داده است. این حدود را در سوره مبارکه نور می توانید ملاحظه کنید که از مجموع آن آیات استفاده می شود زن به گونه ای بیرون برود و بیاید که هیچ نامحرم بی دین پستی هم، چشم طمع به آن نداشته باشد. این بهترین نوع حجاب است.

انصاریان تصریح کرد: بنابراین وقتی خانمی به بیرون از منزل می رود طوری سخن بگوید که؛ «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الْاَذَى فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ» کسانی که دلشان بیمار شهوات جنسی است به گونه ای زن را ببینند که محرک غرایض جنسی نامحرم نباشد، لذا اینجا با این نکته پردازی قرآن وظیفه واجب زنان در بیرون رفتن در نوع پوشش و در نوع رو گرفتن معلوم می شود که زیبایی های چهره او در ترکیب پیشانی، ابرو، چشم ها، لب و چانه، زیبایی معلوم نباشد.

وی تصریح کرد: همچنین لباس زن، لباس تحریک آمیزی نباشد و بنابر فرموده حضرت رسول(ص) بدن نما و آشکارکننده نباشد. پس زن می تواند بیرون از منزل برود، در حالی که با رفتن و برگشتنش احدی را حتی در نیت باطلش، آلوده به گناه نکند.

این استاد اخلاق با اشاره به نحوه سخن گفتن زنان با مردان نامحرم گفت: زن می تواند با نامحرم سخن بگوید اما حرف های درست و حسابی! می تواند با استادش صحبت کند، مطلبی را بپرسد و مشکل علمی اش را حل کند، می تواند از سوپرمارکت نزدیک محله خرید کند با رعایت شرطی که قرآن کریم معرفی می کند و می فرماید: با صدای صد در صد طبیعی صحبت کند؛ یعنی با عشوه گری، طنز، نازک کردن و ریتم دادن صدا در مرحله ای که طرف مقابل را به گناه بکشد - حتی در درون خویش - صحبت نکند.

وی در پاسخ که اگر بخواهیم عزاداری در خور شأن حضرت زهرا(س) داشته باشیم حال آنکه در بعضی از هیأت ها نقش سخنران کمرنگ شده و بیشتر به مداحی و ستایش گری می پردازند، خاطر نشان کرد: مداحی خوب، چیزی است که ائمه ما آن را امضاء کرده اند. نباید با مداحی مخالفت کرد. منبری یا مداح نه تنها در جلسات صدیقه کبری، بلکه در تمام جلسات اهل بیت(ع) باید گفتاری متین در چارچوب قرآن و روایات داشته باشند و مداح ها باید قوی ترین و پر مفهوم ترین اشعار را بخوانند.

انصاریان ابراز داشت: در مسأله گریه کردن و سینه زدن در سوگ ائمه اطهار(ع) حدی برای آن بیان نشده است؛ فردی طبعش می کشد بلندبلند گریه کند، امام صادق(ع) می فرماید: خدا این گریه اش را رحمت کند. کسی هم نمی تواند بلندبلند گریه کند، آرام گریه می کند، کسی نمی تواند گریه کند، متأثر می شود. خداوند متعال همه را می پذیرد نمی توان به هیچ یک از آنها ایراد گرفت.

این استاد اخلاق گفت: اگر مداح نباشد خیلی از گویندگان، هنر گریان مردم و به عزاداری آوردن مردم را ندارند، لذا مداحی باید باشد. کنارش علم هم باید باشد این دو همدیگر را تکمیل می کنند. اینکه انسان در جلسات برود، هم معارف الهی را یاد بگیرد، هم حال عزاداری یا حال خوشحالی را در شهادت ها و تولدها پیدا کند و به اعتقاد بنده نباید به اصل مسأله مداحی هیچ ایراد گرفت. البته من این مسئله را در یک همایش قرآنی مطرح کردم، اما بعضی از روزنامه ها کمی جاده خاکی زدند و آن چیزی را که در ذهن من نبود، از خودشان درآوردند و گاهی هم با اسم به دیگران نسبت داده اند. این کار بسیار زشتی است. این خلاف مخبر بودن پروردگار است.

